



دانشکده حقوق و علوم سیاسی

موضوع پایان نامه

تمدن سازی در اندیشه ابن خلدون

استاد راهنما: دکتر ابراهیم برزگر

استاد مشاور: دکتر شجاع احمدوند

نگارش: اشکان استواری

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد اندیشه سیاسی در اسلام

سال تحصیلی 1388-1389

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سپاسگزاری و قدردانی

در ابتدا قدردان خدای بزرگ هستم که عشق به افکار و اندیشه ابن خلدون ، این نابغه بزرگ جهان اسلام را در من شعله ور ساخت. در زمانه ای که گرفتاریها و مشکلات بسیار است ، این عشق و علاقه ، نگهدارنده و مشوق من برای انجام این پژوهش بود.

سپاس و قدردانی بعدی من از دو استاد بزرگوارم ، جناب آقای دکتر ابراهیم برزگر و جناب آقای دکتر شجاع احمدوند می باشد. زیرا در کلاس درس این دو بزرگوار ، این عشق و علاقه شکل گرفت و در عین حال ، اگر نبود راهنماییهای این دو استاد عزیز ، پیمودن این مسیر ، بسی دشوارتر بود و آخر و عاقبت کار نامعلوم.

در پایان ، این پژوهش را به مادر عزیزتر از جانم تقدیم می کنم. فداکاریها و زحمات ایشان نه فقط در هنگام انجام این پژوهش ، بلکه در مراحل مختلف زندگی همواره به بهترین شکل ممکن کمک حال من بوده است و انشاءالله در آینده نیز خواهد بود.

چکیده

در قرن بیستم و ادامه آن در دهه اول قرن بیست و یکم، ما شاهد تلاش مسلمانان برای بازیابی هویت خویش و بازگشت به دورانی هستیم که مسلمانان در اوج تمدن خویش بودند. بدون شک، در امر بررسی چگونگی تشکیل تمدن، مراجعه به متفکران مسلمان که در این زمینه صاحب اندیشه هستند، کاری عاقلانه و امری لازم و ضروری می باشد.

در قرن هشتم هجری، متفکری مسلمان و متعلق به سرزمینهای شمال آفریقا، با دانش گسترده و عمیق خود، دست به تلاشی گسترده زد تا با خلق اثری عظیم، مراحل گوناگون شکل گیری تمدنها را دریابد تا بلکه بتواند مسلمانان را از خمودگی و انحطاط چند قرنه، نجات بخشد. ابن خلدون، در اثر سترگ خود مقدمه، در پی آن است که با مراجعه به تاریخ و رجوع به تمدنهای موفق، راز ماندگاری و دوام تمدنها را دریابد.

ابن خلدون نه تنها سعی در استفاده از اسناد و روایات معتبر تاریخی دارد، بلکه وی با پایه گذاری علم عمران، مستقیماً به زندگی اجتماعی بشر پرداخته، عوامل شکل گیری و بقای تمدنها را با بررسی جنبه های گوناگون زندگی جمعی انسانها، در اختیار علاقه مندان به این موضوع قرار داده است.

هدف ما در انجام این تحقیق، بررسی عوامل و مؤلفه هایی است که از دید ابن خلدون در شکل گیری و تداوم تمدن نقش اصلی را بر عهده دارند. سعی ما بر آن است که با توجه به دیدگاههایی متفاوت از دیدگاه خود، بحث را پیش برده و در حقیقت، با مطرح ساختن فرضیه های رقیب، فرضیه خود را درباره چگونگی تشکیل تمدن در اندیشه ابن خلدون مورد بحث و بررسی قرار دهیم.

فهرست مطالب

6	فصل اول: کلیات تحقیق
6	1. طرح موضوع
20	2. سؤالات تحقیق
21	3. فرضیه های تحقیق
21	4. مفروضات
23	5. فرضیه های جایگزین
27	6. تعریف مفاهیم و متغیرهای تحقیق
43	7. ادبیات پژوهش
45	8. اهداف پژوهش
46	9. روش شناسی
46	10. مشکلات و تنگناهای تحقیق
47	11. سازماندهی تحقیق
50	فصل دوم: چهارچوب نظری؛ علل چهارگانه تمدن
50	1. علل چهارگانه
54	2. عصیبت؛ علت فاعلی تمدن

56	3. خیر عموم ؛ علت غایی تمدن
64	4. نهادهای اجتماعی - اقتصادی ؛ علت مادی تمدن
69	5. دولت ؛ علت صوری تمدن
74	فصل سوم: عصبیت ؛ مؤلفه اصلی تشکیل تمدن
77	1. چگونگی تشکیل تمدن
81	2. اهمیت عصبیت
92	فصل چهارم: موانع رشد و شکوفایی تمدن
92	1. موانع اصلی شکوفایی تمدن از منظر ابن خلدون
95	2. خودکامگی ؛ عامل روانی - سیاسی
98	3. تجمل گرایی ؛ عامل روانی - اقتصادی
114	فصل پنجم: عدالت ؛ رمز بقای تمدن
114	انواع عدالت از منظر ابن خلدون
121	چرخه آگاهانه عدالت
132	فصل ششم: یافته ها و نتایج تحقیق
132	درخت تمدن
144	پیشنهاداتی برای تحقیقات آتی
150	منابع

فصل اول

کلیات تحقیق

1. طرح موضوع

مسلمانان، تمدن باشکوهی را پشت سر گذاشته اند. تمدنی که به ویژه از قرن سوم تا پنجم هجری، در اوج به سر برده و سرآمد دیگر تمدنها به شمار می آمده است؛ اما این تمدن شکوهمند نیز بعد از چند قرن و بنا به دلایلی، رو به زوال آورد و دچار انحطاط شد. در قرن هشتم هجری و در سرزمینهای مغرب جهان اسلام، متفکری ژرف اندیش و سیاستمداری با تجربه، با مشاهده این انحطاط تمدنی، دست به تحقیق و پژوهشی همه جانبه زد تا رمز و راز ظهور و سقوط تمدنها را دریابد.

ابن خلدون که به دلیل موقعیت ممتاز خانوادگی، از دوران جوانی وارد عرصه سیاست شده بود، با استفاده از تجربه خود در زندگی سیاسی و دانش عمیق و جامعی که در شاخه های گوناگون علوم بشری همچون تاریخ، فلسفه، فقه، اقتصاد و جز آن داشت، در پی آن شد تا با تعمق و مطالعه در زندگی جمعی بشر و تمدنهای گوناگون - از طریق مطالعه تاریخ به روشی صحیح - و نیز با تجربه مستقیم خود از زندگی سیاسی در سرزمینهای شمال آفریقا و نیز اندلس، دلایل ظهور و سقوط تمدنها را دریابد؛ به آن امید که بتواند تمدن اسلامی را دگر باره به تحرک واداشته و مسلمانان را از خواب غفلت بیدار نماید.

بدین منظور، وی علم جدید عمران را پایه ریزی کرد تا از طریق آن، پی به صحت و سقم روایات تاریخی برد و از طرفی با استفاده از تاریخ و درسها و به قول خود ابن خلدون اصول مشابهی که در پس

ظواهر تاریخی نهان می باشند، همان اصولی را که در علم عمران مطرح کرده است، تقویت کرده و عوامل زایش و مرگ تمدنها را دریابد. این امر از آن بابت شایسته توجه و بحث و بررسی است که در واقع در میان مفسران ابن خلدون، بر سر هدف وی از تاسیس علم عمران، توافق نظر چندانی وجود ندارد. عده ای از مفسران، بر اهمیت بررسی وقایع تاریخی در اندیشه ابن خلدون تاکید می کنند؛ اما عده ای دیگر، تاسیس علم عمران و شناسایی اصول حاکم بر زندگی جمعی بشر را هدف اصلی وی بر می شمارند.

به عنوان مثال، محسن مهدی، در کتاب خود بر این باور است که هدف از تاسیس علم عمران، تنها بررسی وقایع تاریخی و تعیین صحت و سقم آن بوده و بنابراین علم عمران، گرچه سودمند است، اما دارای هدفی والا و شریف نمی باشد. وی تاسیس علم عمران را فرع و بررسی رویدادهای تاریخی را اصل و اساس اندیشه ابن خلدون می داند. در واقع، از نظر محسن مهدی، ابن خلدون از علم عمران همچون وسیله و ابزاری برای بررسی رویدادهای تاریخی که مورد علاقه وی بودند، بهره می گیرد.¹

در نقطه مقابل وی، تقی آزاد ارمکی، بر این عقیده پافشاری می کند که هدف علم عمران، در ذات خود آن بوده و تاسیس علم عمران، نه به خاطر تعیین صحت و سقم روایات تاریخی، بلکه به دلیل ارزش ذاتی خود آن و به منظور کشف عوامل رشد و انحطاط تمدنها بوده و هدف ابن خلدون از بررسی روایات تاریخی، پی ریزی علم عمران بوده است. در این دیدگاه، پایه ریزی علم عمران، هدف اصلی ابن خلدون برشمرده می شود که بررسی وقایع تاریخی، تنها همچون ابزاری برای آن هدف مورد استفاده قرار می گیرد.²

¹ محسن مهدی، فلسفه تاریخ ابن خلدون، ترجمه مجید مسعودی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1352، صص 220 و 223.

² تقی آزاد ارمکی، جامعه شناسی ابن خلدون، تهران: انتشارات تیان، 1376، ج اول، صص 30 و 31.

دیدگاه اول ، برای اثبات نظر خود به جملاتی از مقدمه اشاره می کند که در آنها ، ابن خلدون آشکارا هدف از تاسیس علم عمران را کسب آگاهی در مورد علل نهان موجود در پس وقایع و رویدادهای ظاهری تاریخ می داند و بر آن است که غفلت از آن اصول و علل پایدار ، مهمترین علت انتشار اخبار دروغین و آمیخته شدن حقیقت با دروغ در رویدادهای تاریخی می باشد:

در چنین شرایطی ، مورخ بصیر به تاریخ ، به دانستن قواعد سیاست و طبایع موجودات و اختلاف ملتها و سرزمینها و اعصار گوناگون از لحاظ سیرتها و اخلاق و عادات و مذاهب و رسوم و دیگر کیفیات نیازمند است و هم لازم است در مسائل مزبور وقایع حاضر و موجود را از روی احاطه کامل بداند و آنها را با آن چه نهان و غایب است ، بسنجد و وجه تناسب میان آنها را از لحاظ توافق یا تضاد و خلاف دریابد ؛ و موافق را با مخالف و متضاد تجزیه و تحلیل کند و به علل آنها پی برد و هم به درک اصول و شالده های دولتها و ملتها و مبادی پدید آمدن آنها و موجبات حدوث و علل وجود هر یک همت گمارد و عادات و رسوم و اخبار زمامداران را به کمال فرا گیرد و در این هنگام می تواند هر خبر منقول را بر قواعد و اصولی که به تجربه و مطالعه آموخته است عرضه کند ؛ اگر آن را با آن اصول مزبور موافق یابد و بر مقتضای طبیعت آنها جاری باشد ، صحیح خواهد بود ، و گرنه آن را ناسره خواهد شمرد و خود را از آن بی نیاز خواهد دانست.¹

در جایی دیگر ، ابن خلدون بی اطلاعی از چگونگی و کم و کیف حالات و وقایع اجتماعی را بزرگترین عامل گمراهی مورخ در نقل رویدادهای تاریخی می داند و آشنایی با طبیعت رویدادها را در جدا کردن اخبار درست از نادرست سودمند بر می شمارد :

یکی دیگر از موجبات انتشار اخبار دروغ که بر همه مقتضیات یاد کرده مقدم است ، بی اطلاعی از طبایع احوال

¹ عبدالرحمن بن خلدون ، مقدمه ابن خلدون ، ترجمه محمد پروین گنابادی ، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی ، 1385 ، ج اول ، ج 11 ، ص 51.

اجتماع است؛ زیرا هر حادثه ای، خواه ذاتی باشد یا عارضی، ناچار باید دارای طبیعت و سرشت مخصوص به ماهیت خود و کیفیاتی باشد که بر آن عارض می شود و از این رو، هرگاه شنونده خبر به طبایع حوادث و کیفیات و مقتضیات جهان هستی آگاه باشد، این آگاهی او را در تنقیح خبر برای باز شناختن راست از دروغ یاری خواهد کرد و این نحوه تمحیص از تمام وجوه آن در منقح ساختن اخبار به هر طریقی که عارض شود آسان تر و رساتر است...¹

همچنین در بخشی دیگر، ابن خلدون ضمن تعریف تاریخ، دانستن کیفیات عمومی سرزمینها را برای فهم و درک تاریخ سودمند می داند: "...تاریخ عبارت از یاد کردن اخبار مخصوص به یک عصر یا جماعت می باشد. اما ذکر کردن کیفیات عمومی سرزمینها و نژادها و اعصار برای مورخ به منزله اساسی است که بیشتر مقاصد خویش را بر آنها مبتنی می کند و تاریخ خود را به وسیله آنها واضح و روشن می سازد..."²

در مقابل دیدگاه اول، دیدگاه دوم بر این باور است که با توجه به این حقیقت که بخش اعظم اثر عظیم ابن خلدون، پی ریزی و تاسیس علم عمران و پرداختن به جنبه های گوناگون آن می باشد و در عین حال، این واقعیت که ابن خلدون ابتدا فلسفه تاریخ خود را مطرح کرده، سپس دست به تاسیس علم عمران زده است؛ بنابراین فلسفه تاریخ وی مقدمه ای است بر علم تازه تاسیس عمران. این دیدگاه نیز برای اثبات صحت خود، می تواند به جملاتی از مقدمه اشاره نماید:

... و چون کتب این جماعت را مطالعه کردم و حقیقت گذشته و اکنون را بیازمودم، دیده قریحه را از خواب غفلت گشودم و چون مفلس بودم، در بازار تصنیف به چانه زدن پرداختم و کتابی در تاریخ ساختم که در آن از

¹ همان، صص 65 و 66.

² همان، ص 59.

احوال نژادها و نسلهای پی در پی پرده برداشتم و آن را از حیث اخبار و نظریات به ابواب و فصولی تقسیم

کردم و علل و موجبات آغاز تشکیل دولتها و و تمدن ها را در آن آشکار ساختم ...¹

در جایی دیگر ، ابن خلدون با اشاره به علم نوظهور عمران ، پرداختن به این علم را پرسود و مایه

شگفتی می داند:

هدف ما در تالیف کتاب اول این تاریخ همین است ، و گویا این شیوه خود دانش مستقلی باشد زیرا دارای

موضوعی است که همان عمران بشری و اجتماع انسانی است ، و هم دارای مسائلی است که عبارت از بیان

کیفیات و عوارضی است که یکی پس از دیگری به ذات و ماهیت عمران می پیوندد و این امر ، یعنی داشتن

موضوع و مسائل خاص ، از خصوصیات هر دانشی است ، و معنی علم همین است ، خواه وضعی باشد و خواه

عقلی و باید دانست که سخن راندن در این هدف ، نوظهور و شگفت انگیز و پرسود است و آگاهی بر آن در

نتیجه تحقیق و ژرف بینی من است ...²

در دیدگاه اول ، که از منظر فلسفه تاریخ به علم عمران می نگرد ، این علم مقدمه ای است برای بررسی

وقایع تاریخی و دیدگاه دوم که رهیافتی جامعه شناختی دارد ، بررسی وقایع تاریخی را زمینه ای می -

داند برای تاسیس علم عمران و پرداختن به چگونگی زایش ، رشد ، اوج ، نزول و سرانجام مرگ

تمدن‌ها. با بررسی این دو دیدگاه ، این گونه به نظر می رسد که هر دوی این برداشتها درست بوده و در

عمل ، این دو دیدگاه تناقضی با هم نداشته باشند.

ابن خلدون ، از آشفتگی و ضعف و انحطاط ممالک غرب جهان اسلام در رنج است و در عین

حال ، با بیم و اضطراب از اوضاع شرق جهان اسلام اظهار بی اطلاعی می کند. به همین جهت ، وی با

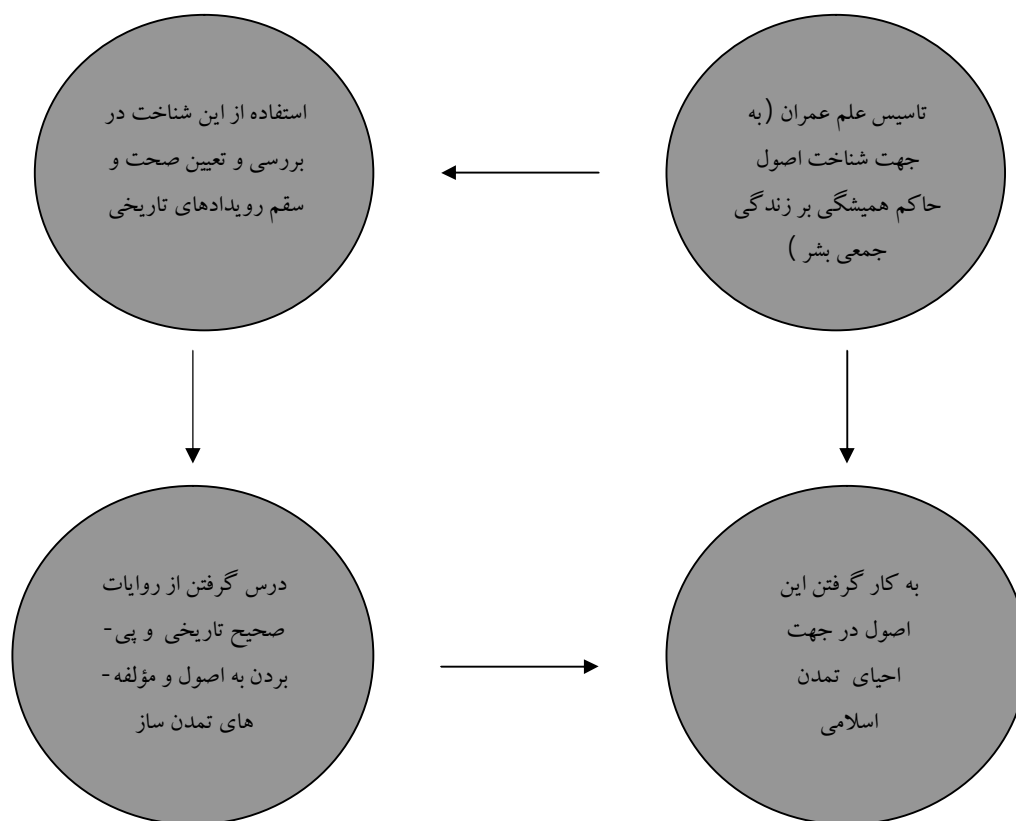
¹ همان ، ص. 6.

² همان ، ص. 69.

آن نبوغ سرشار و تجربه طولانی ناشی از زندگی سیاسی، در پی یافتن راهی است تا علل و عوامل نیرومندی و ضعف دولتها و تمدنها را دریابد؛ بلکه بتواند راهی را برای برون رفت از این بحران پیدا کند. از طرف دیگر، ابن خلدون، برای تاریخ و فلسفه آن ارزش و احترام زیادی قائل است. دلیل اهمیت تاریخ از دید ابن خلدون آن است که وی معتقد به تکرار تاریخ است و شباهت آینده به گذشته را از شباهت آب به آب بیشتر می داند.

بدین ترتیب، از نظر ابن خلدون، می توان با فهم گذشته و عبرت گرفتن و درس آموختن از آن، اوضاع حال و آینده را بر مبنای تجربیات بدست آمده از گذشته سر و سامان داد و بهبود بخشید. به همین جهت، در اندیشه ابن خلدون، رابطه ای تنگاتنگ بین مطالعه و فهم دقیق تاریخ از یک سو و تاسیس علم عمران از سوی دیگر شکل می گیرد. شاید بتوان گفت که تلاش ابن خلدون در بررسی وقایع تاریخی و نیز تاسیس علم عمران، ایجاد و برقراری رابطه ای دو جانبه بین این دو و استفاده از نتایج سودمند هر یک از آنها در دیگری می باشد.

از سویی دیگر، ابن خلدون با پی ریزی علم عمران و با بررسی روابط انسانی در بستر اجتماع، به صورتی مستقیم به عوامل انحطاط و راههای جلوگیری از آن می پردازد و بدین ترتیب، علم عمران در بررسی امر تمدن سازی، نقشی دوگانه بر عهده می گیرد. از یک طرف به طور مستقیم به تمدن پرداخته و از طرف دیگر، از طریق بررسی تاریخ و درس گرفتن از آن، از تاریخ در امر تمدن سازی یاری می گیرد. بنابراین، می توان هدف ابن خلدون در پرداختن به فلسفه تاریخ و نیز تاسیس علم عمران و رابطه این دو با احیای تمدن اسلامی را به صورت زیر به تصویر کشید:



نمودار شماره 1: رابطه فلسفه تاریخ و علم عمران با یکدیگر و نقش آنها در بررسی امر چگونگی تشکیل و تداوم تمدن

در بخش بعدی، ابتدا دیدگاه ابن خلدون در مورد جهان، انسان و زندگی جمعی انسانها در این جهان را به اختصار توضیح خواهیم داد؛ آن گاه به شکلی خلاصه، روش ابن خلدون در بررسی وقایع تاریخی و تاسیس علم عمران مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در انتها نیز به این امر خواهیم پرداخت که چرا از میان متفکران گوناگونی که در زمینه تشکیل و تداوم تمدن، صاحب اندیشه می باشند، ابن-

خلدون بهترین و یا حداقل یکی از بهترین متفکران و صاحب نظران این حوزه برای بررسی و مطالعه می باشد.

1.1. جهان بینی ابن خلدون

در بررسی دستگاه فکری ابن خلدون ، این گونه به نظر می رسد که از دید وی ، جهان آفرینش دارای خصوصیتی به قرار زیر است:¹

- جهان هستی ، از حیث وجودی دارای مراتب است ؛
 - هستی ، از طریق سلسله علت و معلول به نحو ناگسستگی به هم وابسته است ؛
 - هستیها به یکدیگر پیوسته و در هم ، قابل استحاله و تبدیل می باشند.
- بنابراین ، ابن خلدون جهان آفرینش را سراسر در حال تغییر و تحول و تبدیل پدیده ها به یکدیگر می بیند. این تغییر و تحول ، تابع قوانین علت و معلول است و همین قوانین هستند که پدیده ها را همچون زنجیره ای به یکدیگر متصل می دارند و در عین حال ، باعث ایجاد سلسله مراتب در جهان هستی می گردند. ابن خلدون ، چه در مطالعه و بررسی رویدادها و وقایع تاریخی و چه در مطالعه همراه با تعمق و ژرف نگری خود در حوزه عمران بشری ، به دنبال کشف همین اصول و قوانین واقع در پس رویدادها و امور واقع در زندگی جمعی بشر می باشد تا از آنها برای بهبود زندگی انسانها استفاده نماید. اما اکنون باید دید که نظر ابن خلدون در مورد انسان چگونه است و وی چه خصوصیتی را برای انسان برمی شمارد.

¹ غلامعلی خوشرو ، شناخت انواع اجتماعات از دیدگاه فارابی و ابن خلدون ، تهران: انتشارات اطلاعات ، 1372 ، ج اول ، ص 89.

1.2. انسان شناسی ابن خلدون

ابن خلدون ، همچون یک مسلمان معتقد ، این جهان و زندگی انسان در این جهان را موضوعی لغو و بیهوده نمی داند ؛ بلکه وی هدفی مشخص برای زیستن در این جهان قائل می باشد و آن را مقدمه ای برای زندگی اخروی می داند. وی نظام عالم را بر شکلی از نظم و ترتیب می داند که بر اساس قانون علیت ، تمامی کائنات به هم پیوسته می باشند و در عین حال ، وابستگی علل و معلولات ، باعث دگرگونی و تبدیل مداوم و استحاله بعضی از موجودات به برخی دیگر می گردد.¹

در عین حال ، انسان به عنوان اشرف مخلوقات ، دارای ویژگیهایی مخصوص به خود است که وی را از سایر موجودات متمایز می سازد و همین ویژگیها است که چگونگی زندگی وی را در این جهان شکل داده و مشخص می کند. می توان با بررسی دیدگاه ابن خلدون ، به این نتیجه رسید که وی ، ویژگیهای زیر را برای انسان قائل است:²

- انسان ، موجودی مدنی بالطبع بوده و به زندگی اجتماعی نیازمند است ؛
- انسانها برای امرار معاش ، دست به تلاشی جمعی زده و از راههای گوناگون در جهت کسب معاش تلاش کرده و با هم معاونت و همکاری می نمایند ؛
- به دلیل غرایز و خوی حیوانی که در بشر موجود است ، در زندگی جمعی و برای جلوگیری از تجاوز انسانها به یکدیگر ، وازع و حاکمی نیرومند مورد نیاز می باشد تا جلوی تجاوز و هرج و مرج را گرفته و زندگی انسانها در کنار یکدیگر و در یک جامعه را امکان پذیر

سازد؛

¹ همان ، ص 176.

² فواد بعلی ، جامعه ، دولت و شهرنشینی ؛ تفکر جامعه شناختی ابن خلدون ، ترجمه غلامرضا جمشیدیها ، تهران : انتشارات دانشگاه تهران ، 1382 ، ج اول ، ص 40.

• انسان ، به دلیل دارا بودن قدرت تفکر خدادادی ، قادر به فراگیری علوم و مهارت‌های گوناگون می باشد و این علوم و هنرها و مهارت‌های گوناگون ، عامل برتری وی بر موجودات دیگر است.

پس انسانها نیازمند زندگی با یکدیگر می باشند و این زندگی جمعی ، عامل تمایز انسانها از سایر موجودات می باشد. در عین حال ، انسانها به دلیل غرائز و خوی حیوانی که دارند ، در زندگی جمعی دچار مشکلات گوناگونی می گردند که باعث نیاز ایشان به وجود حاکم و رادعی می گردد که انسانها را از گزند یکدیگر باز دارد. اکنون باید ببینیم که دیدگاه ابن خلدون در مورد زندگی جمعی انسانها یا همان عمران بشری چگونه می باشد.

1.3. دیدگاه ابن خلدون در مورد عمران بشری

از نظر ابن خلدون ، زندگی جمعی یا همان عمران بشری ، بر دو گونه است:

الف) عمران بدوی که زندگی به شکل قبیله ای و یا سکونت در روستاها را در بر گرفته و ساده -ترین شکل زندگی اجتماعی بشر می باشد. در عمران بدوی ، انسانها تنها به دنبال بر آورده ساختن نیازهای اولیه خود همچون غذا ، پوشاک ، غریزه جنسی و جز آن بوده و به دلیل زندگی در طبیعت ، دارای شخصیتی بسیط و ساده می باشند.

ب) عمران حضری و یا همان زندگی در شهر و تمدن بشری که مرحله پیچیده زندگی جمعی بشر می باشد و پیامدهای مثبت و منفی زیادی در بر دارد. به عنوان مثال ، ابن خلدون بر این باور است که زندگی در شهر ، انسان را دچار فساد اخلاقی می کند ؛ اما از طرف دیگر ، همین زندگی شهرنشینی است که امکان شکوفایی استعدادهای بشری را مهیا ساخته ، وی را قادر می سازد تا قوا و استعدادهای بالقوه خود را فعلیت بخشد. ما در بخش مربوط به علت مادی عمران ، این بحث را به صورتی مفصل تر

پی گرفته و در این جا تنها به همین اشاره بسنده می نمایم.

4.1. روش شناسی ابن خلدون

همان گونه که در بخش گذشته ذکر شد ، ابن خلدون با بررسی مناسبات اجتماعی - اقتصادی جامعه و نیز بررسی رویدادهای تاریخی با رهیافتی فلسفی ، به دنبال یافتن راهی برای برون رفت از انحطاط و زوال تمدنهای می باشد. پی ریزی علم عمران نیز در همین راستا و هدف عالی می باشد. در عین حال ، روش ابن خلدون در بررسی وقایع تاریخی ، بر پایه اجتناب از اشتباهات رایجی است که به طور معمول اکثر مورخان ، مرتکب می گردند و بدین ترتیب ، راست را با دروغ درآمیخته ، خواننده را به اشتباه و گمان باطل رهنمون می شوند. این اشتباهات را می توان به ترتیب زیر طبقه بندی نمود:¹

الف) اشتباهات ناشی از جانبداری که عبارتند از:

- تاثیر معتقدات و تعالیم ؛
- افتخارجویی و عزت طلبی ؛
- گرایش روح آدمی به عجایب و غرایب .

ب) اشتباهات ناشی از زودباوری که عبارت است از:

- پذیرش بی چون و چرای گزارش مورخان از اخبار تاریخی بدون توجه به انگیزه ها و اغراض ایشان.

ج) اشتباهات ناشی از نادانی که از دید ابن خلدون بدترین نوع اشتباه می باشند و عبارتند از:

- عدم آشنایی با سیاست و دولت به عنوان نماد بارز قدرت ؛

¹ ناصف نصار ، اندیشه واقع گرای ابن خلدون ، ترجمه یوسف رحیم لو ، تهران : مرکز نشر دانشگاهی ، 1366 ، ج اول ، صص 111-113.

- عدم شناخت دولت به عنوان محور زندگی اجتماعی ؛

- عدم شناخت پدیده های گوناگون زندگی اجتماعی .

بنابراین ، ابن خلدون نتیجه می گیرد که یک مورخ ، باید دارای خصوصیات و ویژگیهای زیر باشد:

- کیفیات اخلاقی چون بی طرفی ، کف نفس ، مراقبت دائم ، شکیبایی ، عشق به حقیقت ولو بر

خلاف میل شخصی ؛

- الزامات شناخت عینی تاریخ به منظور تشخیص و بررسی انتقادی رویدادهای ظاهری تاریخ

و پی بردن به اصول کلی آن.

همچنین ، ابن خلدون ، در پی ریزی علم عمران ، روشی برهانی و عقلانی را به کار برده که بر پایه

استقراء و قیاس می باشد. این روش از آن جهت عقلی و برهانی است که بر اساس یافتن علل واقعی و

به دور از اوهام و پندارهای غلط انجام می پذیرد. از آن رو استقرایی است که به مطالعه ابعاد گوناگون

زندگی اجتماعی پرداخته ، سپس خصوصیات عام آنها را استخراج می نماید و موجبات حدوث هر

یک را تشریح می نماید و در عین حال ، از آن روی قیاسی است که بر اساس ماهیت و طبیعت کلی

اجتماع ، حوادث و اخبار را نقد و بررسی نموده ، با انطباق و ارجاع به مبادی امور به قضاوت می -

پردازد.¹

شاید بتوان ابن خلدون را اولین متفکر مسلمان و حتی اولین متفکر در تاریخ اندیشه بشری دانست

که چگونگی تشکیل و تداوم تمدنها را با دقتی علمی مورد مطالعه قرار داده است. این امر ، در کنار

واقع گرایی ابن خلدون که ناشی از تجربه بالای وی در زندگی سیاسی می باشد و نیز تعلقش به جهان

¹ غلامعلی خوشرو ، پیشین ، صص 83 و 84.

اسلام و همچنین دانش گسترده وی در شاخه های گوناگون دانش بشری ، همگی باعث می شوند که در حوزه تمدن سازی ، اندیشه ابن خلدون به یکی از بهترین گزینه ها برای بررسی و تحقیق تبدیل شود.

در عین حال ، ابن خلدون تاثیر گسترده ای بر آراء و نظریات بسیاری از متفکرانی که به ویژه در قرون اخیر - چه در جهان غرب و چه در جهان اسلام - به امر چگونگی تشکیل و تداوم تمدن پرداخته - اند ، گذاشته است. متفکرانی چون مالک بن نبی ، آلبرت حورانی ، آرنولد توین بی و دیگر متفکرانی که در زمینه ظهور و سقوط تمدنها دارای نظریات مهمی می باشند ، همگی تحت تاثیر نبوغ و گستره دانش ابن خلدون قرار گرفته و در نوشته های خود بارها از وی یاد کرده ، از اندیشه پربهایش بهره گرفته اند. در این باره ، تعریف توین بی از مقدمه ابن خلدون ، خود به تنهایی گویای بزرگی و اهمیت این اثر می باشد:¹ " بزرگترین اثر در نوع خود ، در همه زمانها و مکانها ، که در جهان اندیشه ، پا به عرصه وجود نهاده است."

علاوه بر این عامل - تاثیر گذاری بسیار بر متفکران بعد از خود - باید به علاقه ابن خلدون به ایرانیان اشاره نمود. وی در اثر خود بارها با تحسین و شگفتی به تمدن ایرانیان باستان اشاره نموده ، در عین حال در بررسی عواملی که بقای تمدن را موجب می گردند ، تاثیر زیادی از حکمت ایران باستان پذیرفته است. همین امر می تواند اندیشه ابن خلدون را به گزینه ای مناسب و دارای جاذبه برای محققان ایرانی تبدیل کند.

¹ Arnold Toynbee, *A Study of History: The Growth of Civilizations*, New York: Oxford University Press, 1962, Vol.3, p.322.

به صورت خلاصه ، دلایل انتخاب ابن خلدون - از میان متفکران گوناگونی که به بحث در حوزه

مؤلفه های تشکیل و تداوم تمدن پرداخته اند - به صورت زیر می باشد:

- پیشگامی ابن خلدون در بحث مؤلفه های تشکیل و تداوم تمدن ؛
- جامعیت اندیشه و صاحب نظر بودن ابن خلدون در حوزه های گوناگون ؛
- واقع گرایی ابن خلدون با توجه به تجربه فراوان وی در حوزه سیاست عملی ؛
- تاثیر گذاری ابن خلدون بر بسیاری از متفکران مسلمان و غیر مسلمان به خصوص در دو قرن اخیر ؛

- علاقه ابن خلدون به ایرانیان و تاثیر پذیری فراوان وی از حکمت ایران باستان ؛
- روش علمی و دقیق ابن خلدون در بررسی رویدادها و انجام پژوهش و تحقیق .

این پژوهش به دنبال آن است تا در صورت امکان ، به برداشتن گامهایی هر چند کوچک در مسیر تمدن سازی کمک نماید و سعی شود تا راهی برای برون رفت از زوال و خمودگی تمدنی ، برداشته شود. چه نیکوست اگر این امر با توجه به آرای یک متفکر مسلمان - متفکری که حتی اندیشمندان غربی نیز به نبوغ او اعتراف کرده اند - صورت گیرد. البته این امر به هیچ عنوان به معنای بی نیازی از آشنایی و بررسی نظرات دیگر متفکران و صاحب نظران این حوزه نمی باشد. طبیعی است که هر قدر آشنایی و علم ما نسبت به اندیشه های گوناگون در حوزه تمدن سازی بیشتر باشد ، امکان بیشتری برای گزینش عوامل مثبت در امر تمدن سازی در اختیار ما قرار خواهد گرفت. طبیعتاً اندیشمندانی که به حوزه تاریخ و تمدن اسلامی تعلق دارند ، به دلیل وجوه مشترک دینی و فرهنگی از اولویت برخوردار بوده ، اندیشه و تفکراتشان می تواند برای امروز ما نیز راهگشا و مفید باشد.

شاید نیازی به ذکر این مطلب نباشد که این پژوهش ، تحقیقی است در عالم نظر که با سیاست -